



**نزول قرآن**

نخستین پرسشهایی که درباره قرآن کریم مطرح می‌شود و باید قبل از هر چیز به آنها پاسخ داد تا مسیر برای استفاده کامل از محتویات آن مشخص شود، از این قرار است:

۱- آیا این کتاب واقعاً از طرف خدای متعال نازل شده است؟

۲- آیا دعوت آن عمومی است یا اختصاص به افراد خاصی دارد؟



۳- هدف یا اهداف نزول آن چه بوده است؟  
 ۴- راه استفاده از این کتاب و رسیدن به هدف یا هدفهائی که دنبال می‌کند چیست؟  
 برای دریافت پاسخ این سئوالات از خود قرآن، آیات مربوط به هر یک را جداگانه مورد بررسی قرار می‌دهیم:  
**قرآن کتاب خدا است:**

قرآن شریف مدعی است که از طرف خدای متعال به وسیله جبرئیل امین بر پیامبر اسلام (ص) نازل شده و نه خود رسول اکرم و نه هیچ کس دیگری در تدوین و یا تنزیل آن دخالتی نداشته‌اند و برای اثبات این مطلب، دلائلی اقامه می‌نماید. ما نخست به ذکر آیاتی که اصل مدعی را طرح می‌کنند می‌پردازیم و سپس به آیاتی که متعرض کیفیت نزول آن هستند و بالاخره به آیاتی که دلیل این مطلب را بیان می‌کنند، خواهیم پرداخت.

قبل از آنکه به بررسی آیات دسته اول (آیاتی که بیانگر نزول قرآن از طرف خداوند می‌باشد) بپردازیم، مروری خواهیم داشت به آیاتی که از اصل نزول قرآن سخن می‌گویند (البته علاوه بر مفرداتی که قبلاً در بحث اوصاف و عناوین قرآن ذکر شد<sup>۱</sup>). این آیات دارای تعبیرات گوناگونی می‌باشند که می‌توان آنها را برحسب ماده کلمه، بدین ترتیب دسته بندی نمود.

**ماده نزول، تنزیل، انزال**

**الف - نزول:**

نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ (شعراء ۱۹۳ - ۱۹۲) همچنین: آیه ۱۰۵ از سوره اسراء و آیه ۱۶ از سوره حدید.

**ب - تنزیل**

ذَلِكَ يَوْمَئِذٍ يَآنِسُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمْ لَآتِيَهُمُ السَّاعَةُ كَذَلِكَ يَأْتِيكَ اللَّهُ تَزْلِيلًا بِالْكِتَابِ بِالْحَقِّ (بقره/۱۷۶)  
 تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْقُرْآنَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا (فرقان/۱)

إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ تَنْزِيلًا (انسان/۲۳)

۱- عناوینی از قبیل: کلام الله، آیات الله، تنزیل...



وَالَّذِينَ آمَنُوا هُمْ أَكْثَرُ أُولَئِكَ الَّذِينَ آمَنُوا أَنَّهُ مُنَزَّلٌ مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ  
(انعام/۱۱۴)<sup>۱</sup>

ونیز آیات:

بقره: ۲۳، ۹۰، ۹۷، ۱۰۵ — آل عمران: ۳ — نساء: ۴۷،  
۱۳۶، ۱۴۰ — مائده: ۱۰۱ — اعراف: ۱۹۶ — حجر: ۶، ۹ — نحل:  
۴۴، ۸۹، ۱۰۱، ۱۰۲ — اسراء: ۸۲، ۱۰۶ — فرقان: ۳۲ — شعراء:  
۱۹۸ — زمر: ۲۳ — زحرف: ۳۱ — محمد: ۲، ۲۶ — حنید: ۹

ج — انزال:

لَوْ أَنزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَىٰ جَبَلٍ لَّرَأَيْتَهُ لَخَاشِعًا مُّصَدِّعًا مِّنْ خَشْيَةِ اللَّهِ  
(حشر/۲۱)

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (یوسف/۲)

يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ بَلِّغُوا مَا أَنْزَلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ (مائده/۶۷)

اللَّهُ الَّذِي أَنْزَلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ (شوری/۱۷)

و از این قبیل است آیات زیر:

بقره: ۴، ۴۱، ۹۰، ۹۱، ۹۹، ۱۳۶، ۱۷۰، ۱۸۵، ۲۳۱ و  
۲۸۵ — آل عمران: ۴، ۷، ۷۲، ۸۴، ۱۹۹ — نساء: ۶۰، ۶۱، ۱۰۵،  
۱۱۳، ۱۶۲، ۱۶۶، ۱۷۴ — مائده: ۴۸ (مکرر)، ۴۹ (مکرر)، ۵۹،  
۶۴، ۶۶، ۶۸ (مکرر)، ۸۱، ۸۳، ۱۰۴ — انعام: ۹۲، ۹۳، ۱۱۴،  
۱۵۵ — اعراف: ۲، ۱۵۷ — توبه: ۸۶، ۹۷، ۱۲۴، ۱۲۷ — یونس:  
۹۴ — هود: ۱۴ — رعد: ۱، ۱۹، ۳۶، ۳۷ — ابراهیم: ۱ — نحل: ۴۴،  
۶۴ — اسراء: ۱۰۵ — کهف: ۱ — طه: ۲، ۱۱۳ — انبیاء: ۱۰، ۵۰ —  
حج: ۱۶ — نور: ۱ (مکرر)، ۳۴، ۴۶ — فرقان: ۶ — قصص: ۸۷ —  
عنکبوت: ۴۶، ۴۷، ۵۱ — لقمان: ۲۱ — سبأ: ۶ — ص: ۲۹ — زمر:  
۲، ۴۱، ۵۵ — دخان: ۳ — احقاف: ۳۰ — محمد (ص): ۹، ۲۰ —  
مجادله: ۵ — تغابن: ۸ — طلاق: ۵، ۱۰ — قدن: ۱

بررسی:

بعضی از این آیات، مربوط به بخشی از قرآن است مانند آیه

.....

۱- بر این آیات دوازده (۱۲) آیه دیگر که مشتمل بر لفظ «تنزیل» است قبلاً در  
بحث اوصاف و عناوین قرآن در شماره ۱۵ ص ۳۷ همین مجله، آورده شده، افزوده می شود.



اول از سوره نور «سُورَةٌ أَنْزَلْنَاهَا...» و بعضی از آنها گرچه از لسان دیگران و حتی به عنوان استهزاء نقل شده، ولی حاکی از چنین ادعائی از خود قرآن و آورنده آن می‌باشد مانند آیه ۶ سوره حجر: «وَقَالُوا يَا أَيُّهَا الَّذِي نُزِّلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ إِنَّكَ لَمَجْنُونٌ» و به هر حال همگی با اختلاف در مرتبه دلالت، ادعای این کتاب را مبنی بر اینکه از طرف خدا نازل شده نشان می‌دهند.

معنای نزول - که به تبع آن، معنای انزال و تنزیل نیز روشن می‌گردد - در توضیح عنوان تنزیل - عنوان هفتم از عناوین مستقل - بیان گردید.<sup>۱</sup>

در اینجا باید سه نکته را توضیح داد: یکی فرق بین انزال و تنزیل، و دیگری اختلافی که از نظر معرفی نازل کننده بین آنها به چشم می‌خورد که در بعضی از آیات نازل کردن را به خدا نسبت داده و در بعضی دیگر به جبرئیل، و نکته سوم مربوط به مُنَزَّل عَلَيْهِ است که در بعضی آیات، پیغمبر اکرم (ص) ذکر شده و در برخی دیگر، مردم. **فرق بین انزال و تنزیل:**

بعضی از مفسرین، فرق بین انزال و تنزیل را چنین بیان فرموده‌اند: که انزال، دلالت بر نزول دفعی دارد و تنزیل بر نزول تدریجی، و هر جا لحاظ وحدت و دفعیت شده، تعبیر انزل، بکار رفته مانند آیه ۱۸۵ سوره بقره (شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ) و آیه ۱ تا ۳ سوره دخان (حُمِّمَ وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ) و نیز آیه اول سوره قدر (إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ) و هر جا تعبیر تنزیل، استعمال شده، جهت کثرت و تدریج ملحوظ بوده است.

ولی اثبات این مطلب در همه موارد مشکل است، مثلاً در آیه اول سوره نور می‌فرماید: وَأَنْزَلْنَا فِيهَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ، و در آیه ۴۶ همان سوره می‌فرماید: لَقَدْ أَنْزَلْنَا آيَاتٍ مُبَيِّنَاتٍ. و با اینکه تعدد و کثرت آیات ملحوظ بوده، تعبیر انزال، بکار برده شده است.

از سوی دیگر در آیه (۳۲) از سوره فرقان می‌فرماید: وَقَالَ

.....

۱- مجله نور علم شماره سوم از دوره دوم ص ۳۶



الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً، با اینکه همه قرآن یکپارچه و «جُمْلَةً وَاحِدَةً» در نظر گرفته شده ولی در عین حال تعبیر تنزیل بکار رفته، و در آیه (۱۴۰ از سوره نساء) می‌فرماید: وَقَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ أَنْ إِذَا سَمِعْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ يُكْفَرُ بِهَا وَيُسْتَهْزَأُ بِهَا فَلَا تَقْعُدُوا مَعَهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ، با اینکه نظر به مطلب واحدی است با این وصف کلمه نزل استعمال شده است.

وجه دیگر در فرق بین این دو کلمه که روشن تر به نظر می‌رسد و شاید بتوان آن را بدون استثناء بر همه موارد تطبیق کرد این است که: انزال، فقط دلالت بر اصل نازل کردن دارد (تعدیه نزول) و در مفهوم آن نه وحدت منظور شد و نه کثرت، و از این جهت با هر دو سازگار است، ولی در تنزیل به مناسبت صیغه تفعیل معنای کثرت لحاظ شده است (بدون اینکه تدریج داخل در معنای آن باشد).

کثرت گاهی در ناحیه فعل است مانند: طَوَّغْتُ الْكُفْبَةَ، یعنی مکرر کعبه را طواف نمودم، و گاهی کثرت در ناحیه فاعل است مانند: قَوَّيْتُ الْآبَابَ، یعنی شتران بسیاری مردند و گاهی در ناحیه مفعول می‌باشد مانند: غَلَقْتُ الْآبْوَابَ، یعنی درهای بسیاری را بستم. و در مورد قرآن میتوان گفت همچنانکه کثرت ممکن است به لحاظ تعدد آیات منظور شود، همچنین ممکن است بلحاظ کثرت مراتب نزول منظور گردد، زیرا چنانکه قبلاً اشاره شد بین مرتبه حقیقی قرآن تا مرتبه الفاظ و مفاهیم فاصله زیادی وجود دارد و به این لحاظ تعبیر تنزیل، نسبت به یک آیه و به مجموع قرآن که به طور وحدت در نظر گرفته شود، نیز صحیح است.

و بر فرض عدم قبول این نظر، می‌توان گفت: انزال و تنزیل هر دو متعدی نزول و از قبیل مترادفین می‌باشند و استعمال هر یک به جای دیگری صحیح است.

#### نازل کننده قرآن:

در برخی از آیات گذشته<sup>۱</sup>، نازل کننده قرآن، صریحاً ذکر

.....  
 ۱- مانند: وَيَأْتِيكَ نَزْرًا (اسراء/۱۰۵) که با قرینه جمله قبل (وَيَأْتِيكَ أَنْزْلَانًا) معلوم



نشده است گرچه از قرائن معلوم است که نازل کننده آنها، خدای متعال می‌باشد، ولی در غالب آنها، نازل کردن را صریحاً به خدای متعال نسبت داده و تنها در چند مورد به جبرئیل یا روح القدس یا روح الامین نسبت داده است:

قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِجِبْرِيلَ فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ عَلَيَّ قَلْبِكَ بِإِذْنِ اللَّهِ  
(بقره/۹۷)

قُلْ نَزَّلَهُ رُوحُ الْقُدُسِ مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ (نحل/۱۰۲)  
وَإِنَّهُ لَتَنْزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ - نَزَّلَ بِهِ الرُّوحَ الْأَمِينُ - عَلَيَّ قَلْبِكَ لِتَكُونَ  
مِنَ الْمُنذِرِينَ. (شعراء ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳)

ظاهراً مقصود از روح القدس و الروح الامین، همان جبرئیل است.

ممکن است در بدو امر چنین بنظر برسد که این دو نسبت، با یکدیگر سازگار نیستند ولی با دقت در خود این آیات، معلوم می‌شود که قرآن جبرئیل را واسطه در نزول معرفی می‌کند چنانکه در سوره نحل آیه ۱۰۲ می‌فرماید: قل نزله روح القدس من ربك. بنابراین، می‌توان نازل کردن را، به او هم نسبت داد، بدون اینکه منافاتی با نسبت آن به خدای متعال داشته باشد. علاوه بر اینکه، از نظر قرآن، کارهای فرشتگان، به هیچ وجه استقلالی نیست و همگی به اذن و امر الهی انجام می‌گیرد. چنانکه در مورد نزول قرآن در سوره بقره آیه ۹۷ بعد از انتساب نزول قرآن به جبرئیل، تعبیر «بإذن الله» آمده است (فَأَنزَلْنَاهُ عَلَى قَلْبِكَ بِإِذْنِ اللَّهِ). و درباره کلیه اعمال فرشتگان می‌فرماید: لَا يَسْقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ<sup>۱</sup> یعنی فرشتگان، هیچگاه در سخن گفتن بر خدا پیشی نمی‌گیرند (بدون اذن او سخنی نمی‌گویند) و تنها به امر او عمل می‌کنند.

بنابراین جای چنین توهمی که جبرئیل چیزی را از طرف خودش به پیغمبر اکرم (ص) القاء کرده باشد باقی نمی‌ماند.

.....  
می‌شود که نازل کننده خدای متعال می‌باشد و یا آیه ۱۸۵ سوره بقره که می‌فرماید: شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ که با توجه به دیگر آیات مشابه، روشن می‌شود که نازل کننده آن خداوند می‌باشد.

۱- انبیاء آیه ۲۷



### منزل علیه

در بعضی از آیات، از اینکه قرآن بر چه کسی نازل شده، نامی به میان نیامده است مانند:

إِنَّ وَلِيِّيَ اللَّهُ الَّذِي نَزَّلَ الْكِتَابَ وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ  
(اعراف: ۱۹۶)

إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ (حجر/۱۹)

كَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا (طه/۱۱۳)

و نیز آیات:

(۴۱، ۹۰، ۱۷۰، ۱۷۶ و ۱۸۵) از سوره بقره و (۴، ۵۳) از سوره آل عمران و (۴۷) از سوره نساء و (۴۸، ۴۹، ۱۰۱، ۱۰۴) از سوره مائده و (۹۲، ۹۳، ۱۱۴، ۱۵۵) از سوره انعام و (۱۵۷) از سوره اعراف و (۸۶، ۱۲۳، ۱۲۷) از سوره توبه و (۱۴) از سوره هود و (۲) از سوره یوسف و (۳۷) از سوره رعد و (۱۰۱ و ۱۰۲) از سوره نحل و (۸۲، ۱۰۵، ۱۰۶) از سوره اسراء و (۵۰) از سوره انبیاء و (۱۶) از سوره حج و (۱، ۴۴) از سوره نور و (۶ و ۳۲) از سوره فرقان و (۲۱) از سوره لقمان و (۲۳) از سوره زمر و (۱۷) از سوره شوری و (۳) از سوره دخان و (۳۰) از سوره احقاف و (۹، ۲۰، ۲۶) از سوره محمد (ص) و (۱۶) از سوره حدید و (۵) از سوره مجادله و (۸) از سوره تغابن و (۱) از سوره قدر و در بسیاری از آنها، تصریح شده که قرآن بر رسول اکرم (ص) نازل شده است مانند:

وَأَنشَأُوا بِمَا نَزَّلَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَهُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ (محمد «ص»/۲)

تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ (فرقان/۱)  
وَإِذَا سَمِعُوا مَا أُنزِلَ إِلَى الرَّسُولِ تَرَى أَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ  
(مائده/۸۳)

إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ تَنْزِيلًا (انسان/۲۳)  
و همچنین آیات: (۴، ۲۳، ۲۴، ۹۷، ۹۱، ۲۸۵) از سوره بقره و (۳، ۷) از سوره آل عمران و (۶۰، ۱۰۵، ۱۱۳، ۱۳۶، ۱۶۲، ۱۶۶) از سوره نساء و (۴۸، ۴۹، ۶۴، ۶۷، ۶۸، ۸۱) از سوره مائده و (۲، ۱۵۷)





از سوره اعراف و (۹۷) از سوره توبه و (۹۴) از سوره یونس و (۱، ۱۹، ۳۶) از سوره رعد و (۱) از سوره ابراهیم و (۴۴، ۶۴، ۸۹) از سوره نحل و (۱) از سوره کهف و (۲) از سوره طه و (۱۹۳) از سوره شعراء و (۸۷) از سوره قصص و (۴۷، ۵۱) از سوره عنکبوت و (۶) از سوره سبأ و (۲۹) از سوره ص و (۲، ۴۱) از سوره زمر و (۹) از سوره حدید.

و بالاخره، مضمون بعضی دیگر از آیاتی که متضمن بیان نزول قرآن می‌باشند، این است که قرآن بر مردم و به سوی ایشان نازل شده است مانند آیات:

(۱۰۵، ۱۳۶، ۲۳۱) از سوره بقره، و (۷۲، ۱۹۹) از سوره آل عمران و (۱۴۰ و ۱۷۴) از سوره نساء (۵۹) از سوره مائده و (۱۱۴) از سوره انعام و (۴۴) از سوره نحل و (۱۰) از سوره انبیاء و (۳۴) از سوره نور و (۵، ۱۰) از سوره طلاق<sup>۱</sup>.

از جمله این آیات است، آیه: **وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكُمُ الْكِتَابَ مُقَصِّلاً (انعام/۱۱۴)** و نیز آیه (۲۳۱ بقره): **وَأَذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَمَا أَنْزَلَ عَلَيْكُم مِّنَ الْكِتَابِ وَالْحِكْمَةِ.**

البته روشن و بدیهی است که چون، قرآن مستقیماً بر عموم مردم نازل نشده و آیاتی هم نزول آن را بر پیغمبر اکرم (ص) نسبت می‌دهد، پس منظور از نزول بر مردم و نزول به سوی ایشان، نزول غیرمستقیم و به واسطه رسول اکرم (ص) می‌باشد.

## ۲- ماده مجیی:

در زمینه تفهیم فرود آمدن قرآن، در بیش از ۳۵ مورد از آیات، مشتقات این کلمه (جاء، جائك، جئناك و...) بکار گرفته شده است: مانند آیات (۸۹، ۱۲۰، ۱۴۵) از سوره بقره و (۱۷۰، ۱۷۴) از سوره نساء و (۱۵، ۴۸، ۸۴) از سوره مائده و (۵، ۱۰۴، ۱۵۷) از سوره انعام و (۵۲) از سوره اعراف و (۵۷، ۹۴، ۱۰۸) از سوره یونس و

۱- این مضمون، در آیات دیگری (از غیر ماده نزول) نیز هست مانند: آیه (۱۷۴) سوره نساء: **يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءكُمُ الْبُرْهَانُ مِن رَّبِّكُمْ. وَنِزِيلُ آيَةٍ: قَدْ «جَاءكُم» مِن اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ (مائده/۱۵)**



(۱۲۰) از سوره هود و (۳۷) از سوره رعد و (۸۱، ۹۴) از سوره اسراء و (۵۵) از سوره كهف و (۷۰) از سوره مؤمنون و (۳۳) از سوره فرقان و (۴۸) از سوره قصص و (۶۸) از سوره عنكبوت و (۴۹) از سوره سبأ و (۳۷) از سوره صافات و (۳۲) از سوره زمر و (۶۶) از سوره غافر و (۴۱) از سوره فصلت و (۲۹، ۳۰، ۷۸) از سوره زخرف و (۷) از سوره احقاف و (۵) از سوره ق و (۱) از سوره ممتحنه و (۶) از سوره صف.

بعضی از این آیات، دلالت بر اصل آمدن قرآن به عنوان حق دارد بدون اینکه آورنده آن معرفی شده باشد و یا کسی را که به سوی او آمده است مشخص کند مانند آیه (۸۱) از سوره اسراء:

وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا.

و نیز آیه (۴۹) از سوره سبأ .

برخی دیگر از این آیات، دلالت بر نزول قرآن بر پیغمبر اکرم (ص) دارند مانند آیات: (۱۲۰) از سوره هود و (۴۸) از سوره مائده و (۱۲۰، ۱۴۵) از سوره بقره و (۳۷) از سوره رعد و (۶۶) از سوره غافر و (۳۳) از سوره فرقان و مثل آیه:

لَقَدْ جَاءَكَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ (یونس/۹۴)

و بعضی دیگر، دلالت بر آمدن آن از طرف پروردگار و به سوی مردم دارد، مانند آیه (۲۳) از سوره نجم: وَقَدْ جَاءَهُمْ مِنْ رَبِّهِمُ الْهُدَىٰ وَ همچنین آیات: (۵۷، ۱۰۸) از سوره یونس و (۱۷۴) از سوره نساء و (۱۵) از سوره مائده و (۱۰۴، ۱۵۷) از سوره انعام و (۸۹) از سوره بقره و (۴۸) از سوره قصص.

در برخی دیگر از این آیات، آوردن قرآن را به خدای متعال نسبت داده است: وَقَدْ جِئْنَاكُمْ بِكِتَابٍ فَضَّلْنَاهُ عَلَىٰ عِلْمٍ (اعراف/۵۲) و نیز آیه (۷۸) از سوره زخرف.

در دسته ای دیگر، آمدن به سوی مردم، ذکر شده، بدون اینکه آورنده آن معرفی شود، مانند: آیه (۱) از سوره ممتحنه و آیه (۸۴) از سوره مائده و آیه (۵) از سوره انعام و آیه (۹۴) از سوره اسراء و آیه (۵) از سوره ق و آیه (۵۵) از سوره كهف و آیه (۷) از سوره احقاف و آیه (۴۱) از سوره فصلت و آیه (۲۹) از سوره زخرف و آیه (۶۸) از سوره عنكبوت و آیه (۳۲) از سوره زمر و در آیه (۳۰) از سوره زخرف که از



این آیات می‌باشد چنین آمده:

وَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ وَإِنَّا بِهِ كَافِرُونَ.

و بالاخره در برخی دیگر از این آیات، تصریح شده که پیغمبر

اکرم (ص) آن را آورده است مانند:

قَدْ جَاءَكُمْ الرُّسُولُ بِالْحَقِّ مِن رَّبِّكُمْ (نساء/ ۱۷۰)

و نیز آیات (۷۰) از سوره مؤمنون و (۳۷) از سوره صافات و

(۶) از سوره صف.

اختلاف بدوی که بین بعضی از این آیات بنظر می‌رسد، با

دقت در خود آنها، همچنانکه در بیان سابق در مورد آیات ماده «نزل»

گذشت، برطرف می‌شود.

### ۳- ماده اتیان و ابتاء:

در حدود ده مورد، نزول قرآن با مشتقات این دو واژه بیان شده

است از آن جمله:

وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سُبْحَانَكَ مِنَ الْمَتَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمِ (حجر/ ۸۷) و نیز

آیات:

(۹۹) از سوره طه و (۵۵) از سوره نحل و (۶۶) از سوره

عنکبوت و (۳۴) از سوره روم و (۷۱ و ۹۰) از سوره مؤمنون و (۲) از

سوره انبیاء و (۵) از سوره شعراء و (۵۴) از سوره نساء.

### ۴- ماده وحی:

این کلمه و مشتقات آن (اوحی، یوحی و...) در حدود (۴۰)

مورد بیانگر نزول قرآن می‌باشد:

كَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ قُرْآنًا عَرَبِيًّا (شوری/ ۷)

ذَلِكَ وَمَا أَوْحَى إِلَيْكَ رَبُّكَ مِنَ الْحِكْمَةِ (اسراء/ ۲۹) و نیز

آیات:

(۴۴) از سوره آل عمران و (۱۶۳) از سوره نساء و (۳، ۱۳،

۵۱، ۵۲) از سوره شوری و (۳۱) از سوره فاطر و (۱۹، ۵۰، ۱۰۶،

۱۴۵) از سوره انعام و (۴۵، ۱۰۸) از سوره انبیاء و (۴، ۱۰) از سوره



نجم و (۱۱۴) از سوره طه و (۳، ۱۰۲) از سوره یوسف و (۲، ۱۵، ۱۰۹) از سوره یونس (۳۰) از سوره رعد و (۶۵) از سوره زمر و (۲۷، ۱۱۰) از سوره کهف و (۴۵) از سوره عنکبوت و (۱۲، ۴۹) از سوره هود و (۲) از سوره احزاب و (۹) از سوره احقاف و (۲۰۳) از سوره اعراف و (۶) از سوره فصلت و (۷۳، ۸۶) از سوره اسراء و (۱۲۳) از سوره نحل و (۵۰) از سوره سبأ و (۱) از سوره جن و (۷۰) از سوره

ص.

بعضی از این آیات مانند: **تِلْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهَا إِلَيْكَ** (هود/۴۹) و نیز آیات: (۳۹) از سوره اسراء و (۱۲۳) از سوره نحل و (۱۳) از سوره شوری و (۴۴) از سوره آل عمران و (۱۰۲) از سوره یوسف و (۱۴۵) از سوره انعام و (۵۰) از سوره سبأ و (۱) از سوره جن و (۷۰) از سوره ص... مربوط به بخشی از قرآن، و برخی دیگر، مربوط به همه قرآن می‌باشد و حتی برخی از این آیات، احتمال دارد که شامل وحی‌های غیرقرآنی هم بشود مانند:

**وَاتَّبِعْ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ** (احزاب/۲)

و یا آیات (۱۰۹) از سوره یونس و (۱۰۶) از سوره انعام و (۳)

از سوره شوری.

### معنای وحی

وحی به معنای اشاره و رمز و نیز اگر بخواهند مطلبی را به طور پنهانی و خصوصی بفهمانند این کلمه را بکار می‌برند، و گویا اصل معنای آن «سرعت» باشد (امر وحی = سریع) و به مناسبت اینکه اشاره، با سرعت انجام می‌گیرد وحی نامیده شده، چنانکه شاعر عرب گوید:

فاوحی اليها الطرف انى أحبها      فاطر ذلك الوحي فى وجنتها<sup>۱</sup>

و سپس به هر تفهیمی که بطور پنهانی و خصوصی انجام

.....

۱- با چشم به سوی او اشاره کرد که دوستش دارم، و این اشاره در قیافه وی اثر گذاشت.

مقدمه‌ی معارف قرآن



گیرد، تمعیم داده شده، خواه پنهانی بودن آن بواسطه خفاء صوت باشد یا به واسطه رمزی بودن کلام و یا به صورت دیگر. و در اصطلاح اهل شرع، به معنای القاء مطلبی از طرف خدای متعال به پیامبران است، خواه بدون واسطه باشد یا به واسطه فرشته، و خواه سخنی باشد که دیگران نشنوند یا مکتوبی که به ایشان ارائه شود و یا حقیقتی که به قلب شخص القاء گردد و خواه در خواب باشد یا در بیداری.

ولی استعمال قرآن؛ طبق معنای وسیع لغوی و عرفی است و محدود به این اصطلاح نمی‌باشد، زیرا واژه در مورد ملائکه و انسانهایی که پیغمبر نبوده‌اند، نیز بکار رفته است:

### موارد استعمال وحی در قرآن

اینک نمونه‌هایی از این موارد:

الف - در مورد مادر حضرت موسی (ع):

وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ... (قصص/۷)

و نیز آیه (۳۸) از سوره طه

ب - در مورد حواریین حضرت عیسی (ع):

وَإِذْ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ الْحَوَارِيِّينَ أَنْ امْنُؤْا بِي وَبِرَسُولِي قَالُوا آمَنَّا وَ

اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ (مانده/۱۱۱)

ج - در مورد زبور عسل:

وَأَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَىٰ النَّحْلِ أَنْ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا (نحل/۶۸)

د - در مورد ملائکه:

إِذْ يُوحَىٰ رَبُّكَ إِلَىٰ الْمَلَائِكَةِ أَنْ مَعَكُمْ (انفال/۱۲)

ه - در مورد وسوسه شیاطین:

وإن الشياطين ليوحون إلى أوليائهم ليجادلوكم (انعام/۱۲۱)

و نیز آیه ۱۱۲ از همان سوره

و- در مورد زمین

... بِأَنَّ رَبُّكَ أَوْحَىٰ لَهَا (زلزال/۵)

و همچنین آیات (۱۱) از سوره مریم و (۱۲) از سوره فصلت.



به هر حال، بحث درباره اینکه آیا در همه موارد، این واژه (وحی) بطور حقیقت استعمال شده یا در بعضی از آنها، بطور مجاز است، ما را از مقصدی که فعلاً در تعقیب آن هستیم، دور می‌سازد، از این رو آن را به فرصتی دیگر موکول می‌کنیم.

ماده تلاوت:

تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ تَنْزِيلًا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ (بقره/۲۵۲)

نزول قرآن علاوه بر آیه فوق الذکر در ۴ مورد دیگر، با این واژه بیان شده است: آیه (۱۰۸، ۵۸) از سوره آل عمران و آیه (۶) از سوره جاثیه و آیه (۳) از سوره قصص.

۶- ماده قرائت:

إِن عَلَيْنَا جَمْعُهُمْ وَقُرْآنَهُ فَاذَا قَرَأَهُ فَأَتَّبِعُ قُرْآنَهُ (قیامت/ ۱۷ و ۱۸)

۷- ماده اقرء:

سَتَقْرِئُكَ فَلَا تُنسى (اعلیٰ/ ۶)

۸- ماده ترتیل:

وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِیْلًا (فرقان/ ۳۲)

۹- ماده القاء و تلقی:

وَأَنْتَ لَتَلْقَى الْقُرْآنَ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ عَلِيمٍ (نمل/ ۶)

وَمَا كُنْتَ تَرْجُوا أَنْ يُلْقَى إِلَيْكَ الْكِتَابُ إِلَّا رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ (قصص/ ۸۶) و نیز آیه (۵) از سوره مزمل.

۱۰- ماده تعلیم:

الَّذِينَ عَلَّمُوا الْقُرْآنَ (الرحمن/ ۲۰۱) و نیز آیات: (۱۱۳) از سوره نساء

و (۶۹) از سوره یس و (۵) از سوره نجم. بقیه در صفحه ۸۳

مقدمه، معارف قرآن

